

### سوادآموزی قرار گرفته اند

در بهار تابستان سال ۶۱ با توجه به اینکه این دو فصل هنگام فعالیتهای عمده کشاورزان و دیگر انتشار روستائی می باشد و فرصتی برای آنان جهت شرکت در کلاسهای سوادآموزی باقی نمی ماند، تشکیل کلاسهای جدید بسیار کم و در سطحی محدود بود و در این شش ماهه حدوداً ۱۰۰/۰۰۰ نفر بیسواد در کلاسهای سوادآموزی ثبت نام نموده اند.

علاوه بر فعالیتهای فوق که توسط نهضت در سطح روستاها انجام گرفته است با توجه به برنامه های کلی در سطح بعضی از شهرستانهای کشور و در داخل مراکز آموزشی چون پادگانها و کارخانجات و بعضی از موسسات دولتی سوادآموزی برای افراد انجام شده است و در این مراکز با استفاده از آموزشیاران متعهد از افراد علاقمند به سوادآموزی ثبت نام شده و به آنان در مدت کوتاهی خواندن و نوشتن همره با آموزشهای عقیدتی یاد داده می شود.

بطور کلی نهضت از آغاز تشکیل تا پایان نیمه اول سال ۶۱ موفق شده است حدوداً ۱/۱۰۰/۰۰۰ نفر بیسواد را طی ۶۱/۰۰۰ کلاس و توسط بیش از ۱۵/۰۰۰ نفر آموزشیار در بیش از ۱۳/۶۰۰ روستا و در بعضی از مراکز شهری، تحت پوشش قرار دهد که از این عده بیسواد حدود ۲۵۲/۲۹۴ نفر موفق به اخذ کارنامه قبولی شده اند.

ج: از نیمه دوم سال ۶۱ به بعد

بعد از تعیین شدن نماینده ای از سوی امام امت جهت سرپرستی این نهاد انقلابی و انجام یک سری اقدامات اولیه و تشکیل اردوهای سراسری آموزشی برای آموزشیاران و دادن تغییراتی در کتب درسی لزوم نوعی بسیج عمومی بر علیه بیسوادی بیش از گذشته نمودار شد و سرپرستان جدید جهت عرض نمودن فرم فعالیتهای نهضت و با توجه به مصوبه اخیر هیئت دولت مبنی بر دادن اجازه به افرادی که به بیسوادان سواد می آموزند، طرحی بنام طرح ضربتی تدوین شده و به مرحله اجرا درآمد. هدف از این طرح استفاده از کلیه نیروهای باسواد به ویژه مصلحان و دانش آموزان دبیرستانها و کلرمدان و دانشجویان در نیمه دوم سال ۶۱ جهت شرکت در جهاد مقدس مبارزه با بیسوادی در شهرها و روستاهای کشورمان است و بر طبق این طرح افراد بیسواد بیشتری در جامعه ما زیر پوشش سوادآموزی قرار خواهند گرفت.

برای انجام این طرح از افراد علاقمند به سوادآموزی دعوت به همکاری شد که پس از استفاده گرمی که از سوی خواهران و برادران متعهد از این دعوت به عمل آمد حدود ۲۷۰۰۰ نفر از میان این داوطلبان علاقمند جهت شرکت در جهاد مقدس

بجهاد در صفها

# ۱۹ دی

۱۹ دیماه، روز کشتار  
طلاب، بدست دزخیم زمان  
ویاران و مریدان او بود، روزی  
که خون به دیوارهای فیضیه  
نقش بست و کوچه پس کوچه  
های شهر قیام و خون صحنه  
کشتار و جنایت شاهشاهیان شد.

## روزی که خون بر دیوارهای فیضیه نقش بست

فجر در باده سرخ راهی پشت و آبراستن که  
تشنه باران بود، بارید و آسمان سیاه شب که تهنی از  
ستاره بود، ستاره باران شد.  
کوچه، پس کوچه های اصالت که طعمه دندان شب  
شده بودند و خفاشان شب پرست که روشنائی را به  
سلب می کشیدند، اینک خود طعمه فریادگشان  
گشتند و در بدن زنجیرگران را از پای خویش  
گسستند و عاشق و بی قرار، بدنهای مرد خویش تا  
کران کوفت این افق سرخ، این دیار به خون نشسته،  
گشتند.

۱۹ دیماه روز کشتار بی ایمان طلاب بدست  
دزخیم زمان و یاران و مریدان او بود، روزی که  
خون به دیوارهای فیضیه نقش بست و کوچه پس  
کوچه های شهر قیام و خون صحنه های کشتار و  
خیانت شاهشاهیان شد. روزی که عمامه طلبه های  
عاشق، گلن سرخ پیکرشان گشت و لوج عبودیت در  
قیام سرخشان تجلی یافت. و محراب و مدرسه  
راهیان... که در آن کلام توحید و معرفت بر تک  
تک قلب هاشمی نشست و نجوی عابدان و طالبان...  
در چهار ستون فیضیه تکرار و تکرار میشد. به  
گلوله بسته شد و فریاد رعنا ساسی طلاب بر صلابت  
گویاتر از قیام و برنده تر از شمشیر قلب های تمامی  
مستکبرین را شکافت و دیوار بلند و محکم اسارت  
را فروریخت و نقاب لژرخسار سیاه و کریه یزدیدیان  
پس زد، و کام تشنه زمین از خون سرخشان سیراب و  
گلگون شد و قلب خسته تاریخ که سالهایی شاهد  
قیام مظلومین این دیار بود حماسه های پیدریغ  
طالبان قرآن را در برگ برگ سرخشان تصویر نمود و  
با سربلندی و غرور آیه های راهی را بر فراز بام  
فیضیه، فیضیه خونین و سوگوار اما فاضله تفسیر  
کرد. آری نوزده صی روز خون بود و روز برپایی  
طوفان.

طوفان از آنها آغاز شد که در ۱۷ دیماه ۶۸ در  
اوج قدرت رژیم شاه، در روزهایی که استعداد به  
چون کشیده شاه ختن، عیال و کارگران او را به  
گستاخی و قاحت گستاخیه بود در یکی از روزنامه  
های تهران مقاله ای تحت عنوان استعمار سرخ و  
سیاه نوشته میشود و نویسنده مقاله جسارت را به آن  
جا می رساند که در مقاله مذکور احائتهایی به رهبر  
در تبعید مردم روا میدارد. این گستاخی بر طلاب

مبارز و پرغروش حوزه علمیه قم گران می آید. لذا  
تصمیم می گیرند با تظاهرات آرام پاسخی به این  
عمل توهین آمیز رژیم بدهند. از همین رو طلاب  
جوان و انقلابی در مدرسه حقانی و آیت...  
بروجری تجمع کرده و به منظور کسب تکلیف به  
سوی خانه مراجع و اساتید حوزه روان میشوند.  
رفتن به خانه اساتید و آیات عظام و خواست تعیین  
تکلیف از آنان آزمایشی بود که طلاب همگامان  
واقعی امام را بهتر بشناسند. بدنبال حرکت طلاب  
حوزه، مردم قم نیز به آنان پیوسته و شهر به حالت  
تعطیل در می آید. شاه و عمالشی که از حرکت  
دلبرانه طلاب و مردم دلاور قم به وحشت افتاده بودند  
تصمیم به سرکوب تظاهرکنندگان می گیرند.

در نوزدهم دیماه بار دیگر طلاب در مقابل  
مدرسه خانه و میدان آستانه تجمع می کنند و مردم  
نیز گروه گروه به آنان می پیوندند. جمعیت از آنها  
بطور منظم و آرام به سوی منزل استاد نوزی حرکت  
می کنند. مزدوران رژیم نیز که برای پیمان گریز  
طرحهای شوم شاه و عمالشی خود را در میان صفوف  
تظاهرکنندگان وارد کرده بودند و بعد از مخالفت  
ماموران ساواک از ادامه حرکت تظاهرکنندگان،  
شروع به پرتاب سنگ به سوی تانکها و ماموران  
می کنند. مزدوران شاه نیز در پی اجرای فرامین  
ننگین شاه و ساواک، اقدام به تیراندازی به جانب  
مردم می کنند. رژیم شاه به تصور اینکه با این عمل  
می تواند مبارزه را در نقطه خفه کند و حسیانه به مردم  
بی دفاع و طلاب قم حمله میرد ولی با شلیک هر  
گلوله و با هر قطره خونی که بر زمین می ریخته  
بانگ پرشکوه تکبیر زنان و مردان و طلاب شهر  
قیام رساتر و طنین اندازتر شد و ندای قهقرا به  
گوش تمامی مردم در بند و محروم ایران رسانده و  
بدین ترتیب قم الگویی برای قیام شد. پس از آن  
هفتم ها و چهارم های شهدای قم بهانه ای بود تا  
آتشخان انقلاب لوج بیشتری یابد. اینک در  
سالروز شهادت این طالبان... و این منادیان طبعه  
یادو راهشان را گرامی میداریم و بار دیگر با آنان  
تجدید پیمان می کنیم که تا استرلر پرجم توحید و  
عدل در سراسر دنیا از پای نخواهیم نشست.

انشاء...